

کتاب

تاریخ پشاور

تالیف

علاء الدین سید ظفر علی خان، الدین محمد بن محمد الجونی
درسنہ ۶۵۸ ہجری

جلد اول

در تاریخ چنگیز خان و آغاق اوتاکو خان

بسعی و اہتمام و تصحیح اقل العباد

محمد بن عبد الوہاب و ترونی

بانیضام خواہشی و فہار سر

در مطبعہ بریل در لیدن از بلاد ہلانہ بطبع رسید
سنہ ۱۳۲۹ ہجری مطابق سنہ ۱۹۱۱ مسیحی

در راه آمدن نهاد در میان راه گفتواری قلعه برو افتاد و او را بداشت و از حد و دطالبان قراچه نوس
 قاصد او شد و ایک مرار سوار و یاده انا که فرآید و دیگر باره بر سوخته ملک نهاد و مگره را یافت گشت
 و غلبه ایشان بخوردند و عقب او قوت و خون اصداد خلق بر سید عقوب و شکفته آغاز مازند
 و خدایان عربی و افغانان که عشر را بدست گرفت و مثله که مثل از کس ندیده بود بگذازد
 بعضی را برایش بنادند و بعضی را شکفته در راه گشت و در میان او و طاقانی فرم که ما بجهل روز
 بنی مط بد استند و بدستند و در شهر و وسایق بدست آمده بودند و خندان تا اول که از حد
 معلول او و افغانان نام و نامی جاذبات دیگر شاه نام شخصی ازین جاذبها و سوراخها حتمند
 و اگر چه بعضی نامی استند و بعضی صغیرند که مانده بودند با کده شده مگره مانده هندو که ازین
 سال در آنجا ۱۵۰۰ که بیرون ایشان در آنجا بود

لیالی مرو و الشامجان و سلیمان صاحب سقا لیل صوب نهاد
 سهال مرصوف الزمان و زینب و عین النور لکوله بر قاصد
 بیه صرف الدهر فاستحدث النور و صیر هم شتی کل البلاد

در واقعه نیشابور

در زمین راستین نیشابور که داد بلافتانت محوم از کله و بیابان از زمان لواء کسند
 بیرون آسمان باشد و اگر بمثل آن مفسرین بود که ب نفاست و عرت اسان عمر انسان اولاد بود
 و ما ذانضیح المکر که بخرداد و کوفان و نیشابور فی الارض کالانسان
 حدانهم بانوره در روی زمین که همیشهت خود ایند و کزین خود نسند
 سلطان محمد از لجه بر عم نیشابور روان شد و فرغ روز یکم بر صفحات احوال او ظاهر و مول و ترس
 در اقوال او پیدا و چند اثر افلاک بر مرکز حال اموری که اگر در خیال جلال کبفس نقش این
 تصور گیرد اجزای آن ابدالهی منزلت و او حال این محل کله
 حضرت علی صایب لوانها صیبت علی الایام صرن لیا لیا
 و عدده از احوال حوادث غیبی و در همی مضاف می گشت از امثال منامات و اشیاء نقالات
 با یکی عجز و تصور بر وجود او متون شد و قون مغلر و محبسه از تدر و تدبیر و استعمال جلد عاجز
 آمد سلطان شتی در جواب اشخاص نوزان را دیده بود روز خراسینده موها برشان و کالید جامه
 سیاه بر مثال سوگواران نوشده بر سر زبان نوحه می گزاند از نشان بر سید که شما کسید جواب
 دادند که ما اسلایم و انواع عا بن حالات بر مکتوف می شد درین نوشت برارت مشهد ظهور رفت

ورق ۳۷^b از نسخه آ

(Supplément persan 205, f. 37^b)

که اقدم نسخ جهانگشای محفوظه در کتابخانه ملی پاریس و تاریخ
 کتابت آن سنه ۶۸۹ هجری است، مطابق ص ۱۳۲ س ۲-ص ۱۳۴
 س ۴ از متن مطبوع حاضر

طول صفحه اصلی ۳۲ سانتیمتر در عرض ۲۴ است و طول قسمت
 مکتوب فقط ۲۳ سانتیمتر در عرض ۱۷

(To follow Persian title-page and precede Persian Introduction.)

بسمه تعالی

(مقدمه مصحح)

مهمترین واقعه که بعد از اسلام تا کنون روی داده بل مهمترین واقعه تاریخی علی الأطلاق فتنه هولناک تاخت و تاز مغول است که در اوایل قرن هفتم هجری از اقصای مشرق طلوع نموده در عرض مدت سی چهل سال از سواحل دریای چین الی حدود شام و مصر را طویلاً و از اقصای دشت قبیچاق و روسیه و پولونی و هنگری الی خلیج فارس و بحر عمان را عرضاً در تحت تصرف آورده و سبعترین مملکتی را که تا کنون تاریخ سراغ میدهد تشکیل دادند و بالأخره در سنه ۶۵۶ خلافت قدیمه عربیه اسلام را منقرض نمودند،

در میان آن کش مکشها و تلاطم امواج فتن یکی از مالکی که از همه بیشتر در معرض تاخت و تاز و قتل و تهب این وحشیان واقع گردید وطن بدبخت ما ایران بود که طوفان عالمگیر مغول طول و عرض آن بلاد را زیر و زبر نمود و شعله جهانسوز آن غایله هایلہ سرتاسر آن مالک را پاک بسوخت کرورها و کرورها نفوس بی گناه در آن واقعه تباہ شد، شهرها و قری و قصبات بکلی فاعاً صنصفا و عالیها سافلها گردید، مراکز علم و ادب باسرها خراب شد، مخازن صنعت و ثروت مأوی بوم و غراب گشت، علما و فضلارا همه جا جمیعاً مانند گوسفند ذبح کردند، کتابخانها و کتابخوانهارا معاً نیست و نابود نمودند، و از اقل نتایج و اهن آثار استیلای مغول بر ایران آن بود که علم و ادب در آن سرزمین در عهد ایشان بمنتهی درجه انحطاط و تنزلی که ادبیات یک مملکت ممکن است بدان درجه رسد رسید، و کسانی که اندکی بعلوم و ادبیات اسلامیہ آشنا باشند

تفاوت درجه فاحشی را که مابین کتب و تألیف قبل از استیلای مغول و کتب و آثار بعد از آن نمایان است البته ملاحظه کرده اند،
 معینا کله غریب این است که يك شعبه مخصوصی از ادبیات یعنی فن تاریخ در عهد مغول رواجی تمام گرفت و ترقی عظیم نمود و کتب نفیسه از بهترین کتب تاریخیه که تاکنون بزبان پارسی نوشته شده است در آن تألیف شد از قبیل همین کتاب یعنی تاریخ جهانگشای لعلاء الدین عظاملك الجوبینی که در حدود سنه ۶۵۸ تألیف شده^(۱)، و تاریخ کبیر عديم النظير موسوم بجامع التواریخ لرشید الدین فضل الله وزیر غازان و اوجایتو که در حدود سنه ۷۱۰ تألیف شده است^(۲)، و کتاب تجزیة الأمصار و تزجیة الأعصار معروف بتاریخ و صاف لعبد الله بن فضل الله الشیرازی که در حدود سنه ۷۲۸ تألیف شده^(۳)، و تاریخ گزیده لحمده الله بن ابی بکر بن احمد بن نصر المستوفی القزوینی که خلاصه و تقلید ماندی است از جامع التواریخ و در سنه ۷۳۰ تألیف شده^(۴)، و تاریخ کبیر منظوم موسوم بظفر نامه تألیف همو که عبارت است از ۷۵۰۰۰ بیت در بحر نقارب^{۱۰} بطرز شاهنامه (۲۵۰۰۰ بیت در تاریخ عرب و ۲۰۰۰۰ در تاریخ ایران و ۲۰۰۰۰ در تاریخ مغول) و در سنه ۷۳۵ تألیف شده است^(۵)، و کتاب روضة اولی الألباب فی تواریخ الأكابر و الأنساب معروف بتاریخ بناکتی لأبی سلیمان داود بن ابی الفضل محمد البناکتی که در سنه ۷۱۷ تألیف شده^(۶)، و نظام التواریخ که تاریخ مختصری است در طبقات مختلفه سلاطین ایران لقاضی القضاة ناصر الدین ابی سعید عبد الله بن عمر بن علی^{۲۰}

(۱) شرح این فقره خواهد آمد ان شاء الله، (۲) رجوع کنید بفرست نسخ فارسیه موزه بریطانیه تألیف ریو ص ۷۴، (۳) ایضاً ص ۱۶۱-۱۶۲، (۴) ایضاً ص ۸۱، (۵) رجوع کنید بذیل فهرست نسخ فارسی موزه بریطانیه تألیف ریو ص ۱۷۲-۱۷۴، يك نسخه بسیار ممتاز نفیسی از این کتاب در موزه بریطانیه موجود است، (۶) فهرست نسخ فارسیه موزه بریطانیه تألیف ریو ص ۸۰،

البیضاوی صاحب تفسیر معروف (تفسیر بیضاوی) و در سنه ۶۷۴ تألیف شده^(۱)، و کتاب مجمع الأنساب لمحمد بن علی بن محمد بن حسین بن ابی بکر الشیبانکاره که در سلطنت ابو سعید در سنه ۷۳۳ تألیف شده است^(۲) و غیرها و غیرها،

شک نیست که مهترین این کتب علی الأطلاق سه کتاب اول یعنی جهانگشای و جامع التواریخ و وصاف است، و تاریخ جهانگشای بر آندوی دیگر زمانا (و شاید رتبه) ستم تقدم دارد و برای اطلاع از تاریخ مغول بخصوص شعبه از مغول که در ایران سلطنت نمودند از قلم مؤلفین معاصر ایشان اجماعاً بهتر و معتبرتر از این سه کتاب تألیف نشده است، اما

۱۰ جهانگشای مؤلف آن علاء الدین عظامک جوینی بواسطه منای عالی و منصبی رفیع که در دولت مغول داشته است (قریب ۱۵ سال دیر مخصوص امیر ارغون آقا حاکم کل بلاد ایران و گرجستان و آسیای صغیر و غیرها از جانب مغول بود و پس از ورود هولاکو بایران از خواص دیران هولاکو گردید و پس از آن از جانب هولاکو و پسرانش ابقا و نکودار

۱۵ معروف باحمد قریب بیست و چهار سال حاکم بغداد و کلیه عراق عرب بود) خود بشخصه در غالب وقایع مندرجه در این کتاب حاضر و شاهد عینی بوده است چنانکه تفصیل آن بیاید ان شاء الله، اما جامع التواریخ مؤلف آن رشید الدین فضل الله بن ابی الحخیر بن عالی همدانی ابتدا طبیب اباقا و پس از آن قریب بیست سال وزیر غازان و برادرش اوجایتو

۲۰ بوده است و در این مدت جمیع حل و عقد امور مالک مغول در ید نصرف او بود و جامع التواریخ را بحکم غازان شروع در تألیف نمود و بفرمان اوجایتو باتمام رسانید و جمیع معلومات و اطلاعاتی که در این کتاب نفیس

(۱) ایضاً ص ۸۲۴، (۲) ایضاً ص ۸۳-۸۴، مصنف این کتاب را بنفصلی که در دیباچه آن مسطور است دو مرتبه تحریر نموده است و تاریخ متن تاریخ تحریر اول آن است،

ایران و در سایر ممالک آسیا که در این کتاب مضمّن است از قلم یکی از فضیلاى طراز اول از معاصرین و مستخدمین دولت مغول ناچه درجه است، هرچند بدبختانه فرط مصنوعیت عبارت و شدت تکلف در انشاء کتاب و کثرت تقلید مصنف بمراعات جانب لفظ دائماً و اهل جانب معنی مستمرّاً تا درجه از اهمیت کتاب نسبت بآندوی دیگر کاسته است،

از میان این کتب ثلاثه فقط کتابی که تاکنون بطبع رسیده و در محل دسترس عموم میباشد تاریخ و صاف است که در سنه ۱۲۶۹ در بمبئی طبع حجرى بسیار نفیسی از آن نموده اند، ولی جهانگشای و جامع التواریخ که زماناً و رتبه البته بر و صاف سیمت تقدّم دارند و از وصمت تکلف انشاء و ملال انگیزی عبارت عری هستند همچنان بحال نسخه خطی در زوایای کتابخانهها تا این اواخر باقی مانده و جز برای اشخاص معدودی که دسترس بدان کتابخانهها دارند جمهور ناس را انتفاع از آنها ممکن نبود^(۱)، خوش بختانه در این سنوات اخیره اوقاف خیریه گیب^(۲) طبع و احیای این دو کتاب مستطاب را بعهد همت خود گرفت و بر ادبای فارسی زبان و مستشرقین فرنگستان^{۱۰} متّی بی اندازه نهاد، طبع و تصحیح جامع التواریخ را (یعنی مجلد اول

(۱) آنچه در نظر است فقط قسمت مهمی که از جهانگشای تا بحال بطبع رسیده است فصلی است مستخرج از جلد اول جهانگشای که مأسوف علیه شیفِر (Ch. Schefer) از مستشرقین فرانسه در جلد دوم از «قطعات منتخبه فارسی» (Chrestomathie Persane) مندرج نموده است و این فصل شاغل است قریب ۶۲ صفحه از کتاب مزبوررا (ص ۱۰۶-۱۶۹) و مطابق است با ص ۵۸ س ۱۵-ص ۱۴۰ س ۱۹ از جهانگشای مطبوع حاضر، و شیفِر مذکور مقداری حواشی و توضیحات نیز بزبان فرانسه بر متن مزبور افزوده است (ص ۱۵۵-۱۹۳ از قسمت فرانسوی کتاب مزبور)،^(۲) یکی از

مستشرقین انگلیس موسوم بمستر گیب (Mr. Gibb) که در عتفوان جوانی وفات نمود و در حال حیاة دائماً بعلوم و ادبیات السنه شرقیه اشتغال داشت مادرش از غایت محبتی که نسبت بفرزند خود داشت مبلغی معین از مال خود برای تخلید ذکر و ابقاء اسم او منروز نموده منافع آنرا باستحضار چند نفر از امنای مستشرقین وقف طبع کتب مفیده عربیه و فارسیه و ترکیه نمود و تا بحال قریب بیست جلد کتاب بمصارف این اوقاف از طبع خارج شده است،

آنها که در تاریخ مغول است) بمسبو بلوشه یکی از کتابداران کتابخانه ملی پاریس واگذار نمود و طبع جزء دوم از این مجلد اول (تاریخ اوکناى قان الی تیمور قان) در شرف اتمام است،^(۱) و شرف طبع و تصحیح تاریخ جهانگشای را امنای محترم اوقاف مزبور با اقتراح جناب پرفسور ادوارد برون دام ظلّه العالی که رئیس امنای اوقاف مذکور است بعهده این ضعیف محول نمودند و اینک بیاری خدای تعالی و حسن توفیق او جلد اول^(۲) از کتاب تاریخ جهانگشای از طبع خارج گردید و این عروس

(۱) اصل جامع التواریخ آنچه اکنون در دست است دو مجلد است: مجلد اول در تاریخ مغول، مجلد دوم در تاریخ عامّ عالم، و یک مجلد سوّمی هم در مسالك وممالك و معرفت بلاد بنا بوده است که رشید الدین تالیف نماید ولی گویا هرگز این خیال از عالم قوه بعالم فعل نیامده است چه هیچ کس در هیچ جا و هیچ زمان سراغی از آن نداده است، بروم بر سر مطلب: مجلد اول در تاریخ مغول که مسبو بلوشه در صد طبع تمام آن است ندرسه جزء طبع خواهد شد (و این تقسیم به جزء از مصنف نیست بل از طابع کتاب است برای سهولت تفکیک اجزاء منسأوبه المقدار کتاب از یکدیگر): جزء اول در تاریخ اقوام ترك و مغول و اجداد چنگیز خان و تاریخ خود چنگیز خان و فتوحات و غزوات وی، این جزء را با حذف فصولی که از تاریخ ملوک معاصر بحث میکند مسبو برزین (Berezine) از مستشرقین روس با یک ترجمه روسی در سنه ۱۸۶۱-۱۸۸۸ در پترزبورغ طبع نموده است، جزء دوم در تاریخ اوکناى قان و چوچی (نوئی) و جغتای و تولى چهار پسر چنگیز خان و تاریخ کیوک خان بن اوکناى قان و منکو قان بن تولى بن چنگیز خان و قویلای قان بن تولى مذکور و تیمور قان بن چیم کیم بن قویلای قان مذکور، طبع این جلد بتوسط مسبو بلوشه در شرف اتمام است و عنقریب منشر خواهد شد، جزء سوم در تاریخ پادشاهان مغول ایران یعنی هولاکو بن تولى بن چنگیز خان و آبقا بن هولاکو و نکودار بن هولاکو معروف بسلطان احمد و ارغون بن آبقا و کجئاتو بن آبقا و غازان بن ارغون تاوفات وی در سنه ۷۰۲، یک قسمت از این جزء را یعنی فقط تاریخ هولاکورا مأسوف علیه گاتریمز (Quatremère) در سنه ۱۸۲۶ با یک ترجمه فرانسوی و حواشی مبسوطه در پاریس طبع نموده است، مجلد دوم در تاریخ عامّ عالم همچنان مجال نسخه خطی باقی است و تاکنون معلوم نیست کسى بخیال طبع آن افتاده باشد،

(۲) جهانگشای منقسم به جلد است چنانکه شرح آن خواهد آمد ان شاء الله تعالی،

زیبا که در پس پرده خفا چون پری از ابصار مستور بود اینک ارایش
نموده و هر هفت کرده بر منصفه انظار فضلا جلوه گر آمد و من الله اسأل
التأیید لآتمام المجلدین الآخرین الله ولی التوفیق،

اکنون شمه از ترجمه حال مصنف و وصف کتاب جهانگشای و نسخ
آن که این متن حاضر از روی آنها بطبع رسیده باز گوئیم و قبل از شروع
در مطلب فریضه ذمه این بنده است که اظهار کمال تشکر و امتنان ننماید
اولاً از امنای محترم اوقاف گیب که مصارف گزاف طبع این کتاب را (مانند
بسیاری دیگر از کتب علمیه و ادبیه زبان فارسی و عربی و ترکی که اسماء
آنها در ورقه علیجه بزبان انگلیسی در آخر این کتاب ضبط است) بعهد
۱۰ خود گرفته اند و الی الأبد فضلالی السنه ثلثه مذکور را رهین امتنان و
متقادر طوق احسان خود ساخته اند و قهم الله لأمثال هذه الأعمال النافعة
دائماً، ثانیاً از رئیس اوقاف مزبور جناب مستطاب مستشرق شهیر علامه
فاضل پرفسور ادوارد برون^(۱) مد ظله العالی معلم السنه شرقیه در دار
الفنون کبریج از بلاد انگلستان که زحمات نمایان و خدمات شایان
۱۵ ایشان بایران چه ادبیاً و چه سیاسیاً مشهورتر از آنست که این بنده و امثال
این بند را بتطویلی زیادت یا اطنابی من غیر حاجت در ذکر مناقب ایشان
احتیاج افتد چه صیت فضایل حمید و خصایل پسندیده ایشان بمسامع
کافه اهالی ایران رسیده و حکایت فداکاریهای مخلصانه و زحمات فوق
الطافه ایشان را در این سنوات اخیره در راه آزادی و حفظ استقلال
۲۰ ایران وضع و شریف و عالم و جاهل شنیده لاجرم کافه انام از خواص و
عوام بمحبت او گرائیده اند و عموم طبقات مهر و اخلاص آن وجود محترم را
در اعماق دل و جان پروریده اطال الله عمره و اطاب فی الدنیا نشره و

(۱) Professor Edward G. Browne, M. A., M. B., M. R. C. S., L. R. C. P.,
M. R. A. S., F. B. A.

ابن علی الدهر ذکره، و بالأخره از جناب مسیو ادگار بلوشه^(۱) یکی از کتابداران کتابخانه ملی پاریس که در تسهیل وسایل تعاطی نسخ محفوظه در کتابخانه مذکوره با راقم این سطور کمال همراهی و مساعدت نموده و می‌نماید و اوراق مطبوعه جامع التواریخ را قبل از اتمام طبع اصل کتاب هر وقت برای مقایسه متن جهانگشای بامتن جامع التواریخ یا برای غرض دیگر محلّ احتیاج این ضعیف میگردید بدون مضایقه باختیار این جانب وامیگذارند و فقه الله لما یحبّ و یرضی، اکنون بر سر مطالب روم

مقدمه آیه حاوی سه قسمت است:

آ - ترجمه مصنف کتاب،

ب - کتاب جهانگشای،

ج - بعضی نصوص مؤرخین عرب راجع بترجمه حال مصنف،

(۱) Mr. Edgard Blochet.

(۲) تنبیه: - در ضمن اوراق آیه هرکجا بصنحات جهانگشای حواله داده میشود مقصود صفحات همین جلد اول مطبوع حاضر است، و هرکجا حواله باوراق جهانگشای داده میشود مراد اوراق مجلد دوم و سوم جهانگشای است که هنوز بطبع نرسیده است از نسخه اساس از نسخ کتابخانه ملی پاریس (Suppl. pers. 205)، و چون عدد اوراق نسخه اساس هم جا در هامش کتاب در مقابل سطر معین گذارده خواهد شد بعد از طبع کتاب یافتن مواضع محالّ عاجها در نهایت سهولت است و بملاحظه اینکه حسب الرسم معمول اروپائیان در عموم نسخ خطیه کتابخانهها اعداد اوراق را فقط معین کرده و نمره گذارده اند نه اعداد صفحات را اینست که ما نیز در حواله نسخ خطیه ضرورتاً حواله باوراق داده‌ایم نه بصفحات و چون هرورق دو صفحه دارد برای تعیین صفحه اول حسب الرسم حرف «و» برای تعیین صفحه دوم حرف «ب» بر بشار عدد ورق علامت گذارده شده است مثلاً ورق ۶۹ا یعنی صفحه اول از ورق ۶۹، و ورق ۶۹ب یعنی صفحه دوم از همان ورق و هکذا،

فهرست مندرجات الکتاب،

صفحه	
۱	دیباجه کتاب
۱۴	فصل، در چگونگی احوال مغول پیش از عهد دولت و خروج چنگر خان،
۱۶	ذکر قواعدی که چنگر خان بعد از خروج نهاد و یاساها که فرمود،
۲۵	ذکر خروج چنگر خان و ابتدای انتقال دولت و مملکت ملوک جهان بدو و احوال آن بر سبیل ایجاز،
۲۹	ذکر ابناء چنگر خان،
۲۲	ذکر استخلاص بلاد ایغور و انقیاد ایدی قوت،
۲۴	ذکر نتمه احوال ایشان،
۲۹	ذکر نسب ایدی قوت و بلاد ایغور بر موجب زعم ایشان،
۴۶	ذکر احوال کوچک و نوق نغان،
۵۲	ذکر امام شهید علاء الدین محمد المحدثی رحمه الله علیه،
۵۶	ذکر استخلاص نواحی المالیغ و فیالیغ و فولاد و احوال امرای آن،
۵۸	ذکر سبب قصد ممالک سلطان،
۶۲	ذکر توجه خان جهانگشای بمالک سلطان و استخلاص اترار،
۶۶	ذکر توجه الش ایدی بچند و استخلاص آن حدود،
۷۰	ذکر استخلاص فناکت و خجند و احوال تیمور ملک،
۷۴	ذکر استخلاص ماوراء النهر بر سبیل اجمال،

صحنه

- ۷۵ ذکر استخلاص بخارا،
- ۸۴ ذکر خروج نارای،
- ۹۰ ذکر استخلاص سمرقند،
- ۹۶ ذکر واقعه خوارزم،
- ۱۰۱ ذکر حرکت چنگر خان بجانب نخشب و ترمذ،
- ۱۰۲ ذکر عبور چنگر خان بر معبر ترمذ و استخلاص بلخ،
- ۱۰۶ ذکر توجه چنگر خان بحرب سلطان [جلال الدین منکبرنی]،
- ۱۰۹ ذکر مراجعت چنگر خان،
- ۱۱۲ ذکر رفتن تُرْبای نقشی بطلب سلطان جلال الدین،
- ۱۱۳ ذکر [رفتن] بیه و سُبْتای بر عقب سلطان محمد،
- ۱۱۷ ذکر استخلاص تولی خراسان را بر سیل اجمال،
- ۱۱۹ ذکر احوال مرو و کیفیت واقعه آن،
- ۱۲۲ ذکر واقعه نیشابور،
- ذکر جلوس پادشاه جهان [اوکتای] قآن در مسند خانی و دست جهانبانی،
- ۱۴۱
- ذکر حرکت پادشاه جهان قآن بجانب ختای و فتح آن،
- ۱۵۰
- ذکر فوریتای دوّم،
- ۱۵۴
- ذکر صادرات افعال قآن،
- ۱۵۸
- ذکر منازل و مراحل قآن،
- ۱۹۱
- ذکر نورآکینا خاتون،
- ۱۹۵
- ذکر فاطمه خاتون،
- ۲۰۰
- ذکر جلوس کیوک خان در چهار بالش خانی،
- ۲۰۲
- ذکر احوال اغول غایش خاتون و پسران او،
- ۲۱۶
- ذکر توشی و احوال او و جلوس باتو بموضع او،
- ۲۲۱

صحیفه

۲۳۴	ذکر استخلاص بلغار و حدود آس و روس،
۲۳۵	ذکر خیل کلار و باشگرد،
۲۳۶	ذکر جفتای،
۲۴۴	نوضیحات،
۲۴۸	فهرست اسماء الرجال،
۲۷۰	فهرست الأماكن و القبائل،
۲۸۶	فهرست الكتب،
۲۹۱	غلطنامه،

غلطنامه

صواب	خطا	سطر	صحیفه
الصَّلَاة	الصَّلَاة	۸	۴
منبج	منبج	۱۶	۶
أَبْلَحَ	أَبْلَحَ	۱۰	۲۸
افعال ^(۱)	اففعال	۱۲	«
ختا ^(۲)	خطا	۴	۵۴
بفراقوم ^(۳)	بفراقوم	۱	۶۹
قراقوم ^(۴)	قراقوم	۲	۷۰

(۱) کذا فی ۵ و هو الصواب، (۲) کذا فی ب ۵، و همین صواب است زیرا که در نسخه اساس همیوقت «ختا» را با طاء مثاله بنویسد، (۳) بدون شك صواب همین است اگرچه در همه نسخ «بفراقوم» دارد زیرا که قراقوم مطلقا و اصلا بهیچ وجه مناسبی با مقام ندارد، و قراقوم مفازة معروف بین خوارزم و مرو است،

فهرست الأماكن و القبائل،

ابسکون، جزایر -، ۱۲۱،

آذربایجان، ۲۰۵، ۲۱۲،

آس، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۴،

آقناغ، کوهی در ایغور، ۴۲،

آمل، ۱۱۵،

آمویه، ۷۰، ۱۲۴،

ایهر، ۱۱۵ ح،

ایورد، ۱۱۸، ۱۲۵،

اترار، ۲۳، ۶، ۶۲-۶۶، ۷۱، ۹۱، ۹۲،

اتراك، ۲۳، ۷۶، ۹۵، ۹۹، ۱۲۲، ۱۲۴، ۲۲۷، رجوع کنید نیز بترك،

ایتل، رجوع کنید بایتیل،

ادکان (تصحیف رادکان؟)، ۱۱۵،

ازان، ۱۱۶،

اردیل، ۱۱۶،

اردو بالیغ، نام یکی از شهرهای قدیم ایغور که بحکم اوکنای فآن بر بالای

آثار آن شهری بنا کرده بهمان نام اردو بالیغ خواندند اما چون در

دامنه کوههای قراقورم واقع بود معروف بشهر قراقورم گردید، ۴۰،

۴۲، ۱۹۲،

ارز روم، ۲۰۵،

- ارس، قصبه -، (از محال فرغانه)، ۷۳،
 ارقون، از رودهای کوه قراقورم، ۳۹، ۴۲، ۱۹۲،
 اُسْتَوَا، ۱۳۷،
 اسفراین، ۱۱۵،
 اشتقار (?)، ۱۰۸،
 اشناس، ۶۸،
 افغانیان، ۱۲۳،
 الافاق، ۲۱۷، ۲۱۸، ح، ۲۲۴،
 الاکول، بحیره -، ۲۱ ح،
 الان، ۲۲۲، ۲۲۵،
 المالینغ، ۲۱، ۲۱ (شرح درح)، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۵۷، ۲۲۶،
 آلْموت، ۲۰۵، ۲۱۲،
 اوتوقا، ۱۱۱،
 اورکج (جرجانیه)، پای تخت خوارزم، ۹۶،
 اورکند (نصیف اوزکند?)، ۶۷،
 اوزجند (اوزکند)، ۴۸، ۵۸،
 اویرات، از قبایل مغول^(۱)، ۲۸،
 اینیل، نهر معروف وُلگا که اِنیل و ادیل نیز گویند، ۲۲۲،
 ایغور، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲-۴۵، ۷۶، ۸۴ ح، ۱۱۱، ۱۷۹، ۱۹۲،
 ایغوری، زبان و خط -، ۴، ۱۱۴، ۱۳۶،
 ایلی، رود -، ۲۱ ح،
 ایمل، ۲۱ (شرح درح)، ۴۶، ۴۷، ۱۴۵، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۷،
 باخرز، ۱۷۸،

(۱) جامع التواریخ طبع برزین ج ۱ ص ۱۰۰

- ارس، قصبة -، (از محال فرغانه)، ۷۳،
 ارقون، از رودهای کوه قراقرم، ۴۹، ۴۲، ۱۹۳،
 اُسْتُوا، ۱۴۷،
 اسفراین، ۱۱۵،
 اشتقار (?)، ۱۰۸،
 اشناس، ۶۸،
 افغانیان، ۱۴۳،
 الاقاق، ۲۱۷، ۲۱۸، ح، ۲۲۴،
 الاکول، بحیره -، ۴۱، ح،
 الان، ۲۲۲، ۲۲۵،
 المالیغ، ۲۱، ۲۱ (شرح درج)، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۵۷، ۲۲۶،
 اَلسُّوت، ۲۰۵، ۲۱۲،
 اونوقا، ۱۱۱،
 اورکج (جرجانبه)، پای تخت خوارزم، ۹۶،
 اورکند (نصیحف اوزکند ?)، ۶۷،
 اوزجند (اوزکند)، ۴۸، ۵۸،
 اویرات، از قبایل مغول^(۱)، ۲۸،
 اینیل، نهر معروف وُلگا که اینل و ادیل نیز گویند، ۲۲۳،
 ایغور، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۴۲-۴۵، ۷۶، ۸۴، ح، ۱۱۱، ۱۷۹، ۱۹۳،
 ایغوری، زبان و خط -، ۴، ۱۱۴، ۱۴۶،
 ایلی، رود -، ۴۱، ح،
 ایمیل، ۲۱ (شرح درج)، ۴۶، ۴۷، ۱۴۵، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۱۷،
 باخرز، ۱۷۸،

(۱) جامع التواریخ طبع برزین ج ۱ ص ۱۰۰